

حمله به اینستاگرام فوتبالیست شوم

وزیر بهداشت در توئیتر خود نوشت گزارش های اولیه از مرگ هاشمی حاکی از آن است که تیم پزشکی همراه ایشان نبوده است، درحالی‌که باید تیم پزشکی همراه شخصیت‌ها باشد. این اظهارنظر وزیر بهداشت با موجی از بحث‌ها و کامنت‌های کاربران مواجه شد؛ اما وزیر بهداشت به سرعت توئیت خود را حذف کرد و خانواده آقای هاشمی گفتند که رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام خودش علاقه نداشته تیم پزشکی همراهی‌اش کند. آنها به سابقه بیماری قلبی هاشمی هم اشاره کردند و ویدئویی از معاون وزیر بهداشت منتشر شد که اعلام کرد در زمان انتقال رفسنجانی به بیمارستان، علائم حیاتی او از کار افتاده بود و مجرب‌ترین کادر پزشکی برای احیای ایشان وارد عمل شده؛ اما نتوانستند کاری از پیش ببرند. محسن رضایی نیز در توئیتر خود نوشت: مرگ هاشمی برایم باورنکردنی است، امروز ظهر در مجمع تشخیص مصلحت نظام با هم ناهار خوردیم و حالش خیلی خوب بود. امروز حتی شوخ‌طبع‌تر از همیشه حاضر شده و با همه بذله‌گویی کرد. آن قدر که به آقای واعظی گفتم آیت‌الله امروز چقدر سرحال است... ما این تنها رضایی نبود که از مرگ ناگهانی هاشمی شوکه شده بود که همه مردم ایران از سکنه قلبی و مرگ سریع هاشمی بهت‌زده بودند.

از تحلیل‌های جعلی تا امیرکبیری ۹۵

گزارش‌های لحظه به لحظه از جماران و تجریش منتشر می‌شد. اینکه چه شخصیت‌هایی بر پیکر آیت‌الله هاشمی حاضر شده‌اند، چه کسانی پیام تسلیت فرستاده‌اند و هرکس درباره هاشمی چه می‌گوید؟ تب و تاب اولیه که خوابید، گمانه‌زنی‌ها برای اینکه پس از هاشمی چه می‌شود به راه افتاد. از چهره‌ها و تحلیل‌گران گرفته تا مردم عادی نظر خود را در فضای مجازی منتشر می‌کردند. دراین‌میان برخی چهره‌ها توئیت‌های بحث‌برانگیز نوشتند که به‌سرعت به وسیله منتشرکنندگان‌شان پاک شد. حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس‌جمهوری، یکی از این افراد بود که به‌سرعت توئیت خود را پاک کرد و البته برخی ادعا کردند برخی اظهارنظرهای انجام‌شده با عنوان چهره‌های سیاسی، با شناسه‌های فیک یا جعلی منتشر شده است. دراین‌میان چهره‌هایی که چندان میانه خوبی با هاشمی نداشتند، ازجمله احمد توکلی، نماینده مجلس، نیز به‌سرعت در کانال تلگرامی‌اش، اظهارنظرهای منتسب به خودش در فضای مجازی را رد کرد. دراین‌میان محمدباقر قالیباف، شهردار تهران، یکی از بدشانس‌ترین چهره‌های سیاسی در فضای مجازی بود. او که درست چند روز پیش از درگذشت آیت‌الله به دلیل انتشار طرحی از رفسنجانی روی جلد یکی از نشریات شهرداری در فضای مجازی حاشیه‌ساز شده بود، حالا با درگذشت رئیس‌جمهوری سابق ـ مورد طعن و سرزنش کاربران فضای مجازی قرار گرفت. یکی دیگر از حواشی پسرروصداى واقعۀ درگذشت هاشمی، هم‌زمان‌شدن مرگ او با سالروز شهادت امیرکبیر، چهره مورد علاقه هاشمی بود. هم‌زمانی عجیبی که باعث شد کاربران ایرانی هاشمی را امیرکبیر زمانه لقب بدهند و دراین‌میان برخی روزنامه‌ها نیز از این عنوان پرطرفدار در فضای مجازی استفاده کردند و تیتریک خود را با الهام از این لقب بستند. درهمین‌حال چهره‌های بین‌المللی دست به کار شده و در فضای مجازی به درگذشت هاشمی‌رفسنجانی واکنش نشان می‌دادند. فیّاض معصوم، رئیس‌جمهوری عراق، نوری المالکی، نخست‌وزیر سابق عراق، عبدالله گل، رئیس‌جمهوری سابق ترکیه، مولود چاوش‌اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه و عبدالله عبدالله، ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی افغانستان، ازجمله چهره‌های بین‌المللی‌ای بودند که ترجیح دادند درگذشت چهره تاریخی ایران را قبل از ارسال پیام رسمی با ابزار چندرر مانند شبکه‌های ارتباطی اینترنتی ابراز کنند. نازندرا مودی، نخست‌وزیر هند نیز در تویتی درگذشت هاشمی را از طرف خودش و یک‌میلیارد و ۲۵۰ میلیون نفر هم‌وطنش به ایرانی‌ها تسلیت گفت. گری لوئیس، نماینده سابق سازمان ملل در ایران، نیز با انتشار عکس مشرقی با هاشمی درگذشت او را از طرف تمام کارمندان سازمان ملل متحد تسلیت گفت و سرانجام پست‌های پربازدید درباره محل دفن هاشمی یکی دیگر از حواشی این مرگ جنجالی بود. از مشهد و حرم امام رضا (ع) تا قم و حرم حضرت معصومه (س) و خانه‌اش در جماران، همه و همه شایعاتی بود که درباره محل دفن هاشمی بارها مخابره شد. در نهایت قرار به گشودن وصیت‌نامه هاشمی شد و خانواده آقای هاشمی اعلام کردند که او درباره محل دفن خود حرفی نزده و قرار است پیکر سردار سازندگی در کنار مرادش امام (ره) دفن شود.

هشتک ما می‌آیم در فضای مجازی راه افتاد تا باز هم یک حرکت جمعی بین کاربران ایرانی ایجاد کند که در مراسم تشییع هاشمی شرکت کند؛ اما پرونده مرگ آیت‌الله در فضای مجازی به همین راحتی‌ها بسته نشد و هنوز که هنوز است، هاشمی پربحث‌ترین سوزۀ فضای مجازی است.

۷ زمانی که آقای هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌جمهوری شد، سیاست‌های اقتصادی متفاوتی نسبت به آنچه پس از انقلاب در دولت‌ها رفتار شده بود، در پیش گرفتند. به نظر شما چه نکته‌ای به آقای هاشمی این شجاعت را داد که بتواند سیاست‌های متفاوتی را اتخاذ کند؟

به‌گمان من مهم‌ترین عامل وجود این توانایی در آقای هاشمی، جهان‌بدیده‌بودن ایشان بود. آقای هاشمی پیش از ریاست‌جمهوری همه کشورهای غرب را دیده بودند. نگاه او به مسائل توسعه‌ای کشور و مسائل مربوط به پیشرفت بسیار مترقی و جدید بود. او مفهوم انقلاب اسلامی را درک کرده بود و نگرش متفاوتی نسبت به پیشرفت اقتصادی داشت؛ از همین‌رو منافع ملی برایش بسیار مهم بود. با توجه به اینکه ایشان اعتقاد داشت ایران اسلامی باید الگوی اقتصادی کشورهای دیگر شود و یک کشور عقب‌مانده هرچقدر هم نگرش انقلابی قوی داشته باشد، نمی‌تواند الگوی دیگران شود، سعی کردند در آن راستا گام بردارند...

دیگران من به‌شکل مشخص درباره سیاست‌های اقتصادی دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی ... من هم می‌خواهم به همین نکته برسم؛ چون نگاه او به اقتصاد، نگاهی توسعه‌گرایانه بود، پس معتقد بود کشور به‌حتم باید به سوی سیاست‌هایی برود که کشور را ثروتمندتر و توسعه‌یافته‌تر کند. اتفاقا آقای هاشمی دنبال ریشه‌کنی فقر بود. سیاست‌هایی که به شکلی اجتناب‌ناپذیر در دوره جنگ تحمیلی برای اقتصاد اتخاذ شده بود، نمی‌توانست در دوره پس از جنگ ادامه پیدا کند؛ چراکه آن سیاست‌ها در عمل مختص دوران جنگ و مبارزه بود. به‌هر روی آن سیاست‌ها برای زمانی در نظر گرفته شده بود که جنگ منابع کشور را می‌بلعد. به‌همین دلیل آقای هاشمی تصمیم گرفت تجدیدنظری جدی در سیاست‌های اقتصادی کند.

او باور داشت که باید به دنبال سیاست‌های خاصی بود و به باورهای خودش ایمان داشت. برای نمونه او دیگر سیاست‌های کوبنی را به صلاح نمی‌دید یا سیاست‌های تثبیت نرخ ارز را به نفع منافع ملی کشور نمی‌دانست. او همچنین درون‌گرایی را دیگر به صلاح نمی‌دید؛ چراکه معتقد بود ما در یک جامعه جهانی زندگی می‌کنیم، نمی‌توان دور کشور را خط‌کشی کرد و اگر می‌خواهیم به توسعه دست پیدا کنیم، باید یک تعامل بین‌المللی وجود داشته باشد. او این مسائل را باور داشت و تا آن زمان کمتر فردی از مدیران کشور در این چنین بود که ناچار شد شجاعت بسیاری برای اهدافش به خرج دهد.

۷ منظور از شجاعت، پیش‌گرفتن مسیر اقتصاد آزاد است؟

منظور این است که او با واقعیت‌های اقتصادی زمان خودش مواجه و متوجه شد ایران منابع لازم برای بازسازی و البته توسعه کشور را ندارد و باید آنها را از خارج تأمین کند؛ به همین دلیل هم از وزیر وقت اقتصاد- مرحوم نوربخش- خواست برای قدم‌گذاشتن در مسیر توسعه به‌دنبال تأمین منابع از خارج از ایران برود. نه برای هزینه‌های جاری؛ بلکه برای هزینه‌های زیربنایی، سرمایه‌گذاری و صنعتی. مرحوم نوربخش هم در آن مدت کوتاه بیش از ۳۰ میلیارد دلار منابع خارجی تأمین و وارد کشور کرد. با آن منابع همه تأسیسات زیربنایی کشور از بخش انرژی گرفته تا صنعت و کشاورزی و حمل‌ونقل ساخته و بازسازی شد. از سوی دیگر آقای هاشمی اعتقاد نداشت که با تثبیت نرخ دلار بر یک عدد مشخص می‌تواند نیاز کشور را برآورد؛ اما به همین دلیل سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز را دنبال کرد. با شناوربودن نرخ ارز و تمرکز بر تعیین قیمت از سوی عرضه و تقاضا سیاست‌هایش را دنبال کرد.

۷ شما در سخنان پیشین خودتان اشاره کردید که چون آقای هاشمی مفهوم انقلاب را درک کرده بود، تصمیم گرفت سیاست‌های متفاوتی به‌کار ببرد. نکته من این است که ابتدای انقلاب حداقل جنس شعارهایی که داده می‌شد، به مواضع سوسیال‌ها

اقتصاد

روایت عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی هاشمی از کامیابی‌ها و ناکامی‌های دولت سازندگی

سازمان برنامه کوتاهی کرد



عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی

شرق: عیسی کلانتری، مشاور معاون اول رئیس‌جمهور در امور آب، کشاورزی و محیط زیست و دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه است. او وزیر کشاورزی در دولت‌های اول و دوم اکبر هاشمی‌رفسنجانی بوده است که به دلیل ادغام دو وزارتخانه کشاورزی و جهاد سازندگی کار وزارت را رهاکرد. کلانتری از سال ۱۳۸۱ با تشکیل «خانه کشاورزی» به عنوان یک تشکل سیاسی بخش کشاورزی، دبیر کل آن شده و تاکنون در این سمت فعالیت می‌کند. «شرق» به بهانه درگذشت مرد سازندگی ایران با او گفت‌وگو کرده است. کلانتری همچنان از سیاست‌های دوران هاشمی دفاع می‌کند و معتقد است اقدام ناهماهنگ سازمان برنامه وقت، باعث شکست سیاست‌های تعدیل ساختاری شد.

نزدیکی بیشتری داشت؛ این شعارها چگونه می‌تواند با سیاست‌های آقای هاشمی‌رفسنجانی که به‌عنوان لیبرال‌ترین دولت سال‌های پس از انقلاب شناخته می‌شود، پیوند داشته باشد؟

خود آقای هاشمی به‌تنهایی سیاست‌های چپ‌گونه سوسیال‌ها را قبول نداشت...

۷ا شما به پیوند سیاست‌های آقای هاشمی و درک و دریافت ایشان از انقلاب اشاره کردید؛ سخن من این است که بین آن شعارها و سیاست‌های دولت سازندگی تفاوت‌ها بسیار است.

ببینید؛ دیدگاه‌های آقای هاشمی با سوسیالیست‌ها، کمونیست‌ها و توده‌ای‌های انقلابی تفاوت بسیاری داشت...

۷ نه سخن من هم درباره آنها نیست...

اگر شما به دوران جنگ اشاره می‌کنید، واقعیت این است که در آن زمان باید کشور اداره می‌شد؛ اولویت یک کشور هم جنگ تحمیلی بود؛ یعنی دولت وقت باید هم جنگ را اداره می‌کرد و هم نیاز‌ها را مردم را برطرف. هزینه‌های جنگ هم آن‌قدر بالا بود که نمی‌شد با سیاست‌های لیبرالیستی کشور را اداره کرد؛ به‌ویژه آنکه آمریکا و جامعه بین‌المللی هم ایران را تحریم کرده بودند. بخش بزرگی از منابع ایران در غرب کشور از بین رفته بود؛ یعنی تولید و ثروت کشور آن‌قدر بالا نبود که بشود با اتخاذ سیاست‌های لیبرالیستی کشور را اداره کرد. اشاره من به‌شکل دقیق‌تر محدودیت منابع در دوران جنگ است. پس با این محدودیت‌ها و توسعه‌یافته‌نبودن کشور نمی‌شد هم نیاز‌های جنگ را تأمین کرد و هم نیازهایی که در آن دوران سیاست‌های خاص خودش را می‌طلبید. تنها منابع ارزی ایران هم از فروش نفت با نهایت صادرات فرش و پسته بود. جمع صادرات غیرنفتی ما هم در سال به بیش از دو تا سه میلیارد دلار نمی‌رسید. کشوری که قرار است با شش تا هفت میلیارد دلار در سال اداره شود که ۵۰ درصد همین رقم هم در سال خرج جنگ می‌شود، چاره‌ای جز درپیش‌گرفتن سیاست‌های کوبنی ندارد.

پس از جنگ آقای هاشمی با دیدی متفاوت به میدان آمد؛ سیاست‌های جدید را جایگزین سیاست‌های قبلی کرد. **۷ درواقع سیاست‌های تعدیل ساختاری اصولا**

در کشورهایی که تازه از جنگ رها شده‌اند، دیده می‌شود. می‌خواهم به‌طور مشخص از شما پرسم سیاست‌هایی که پس از جنگ و در دوران آقای هاشمی اتخاذ شده بود، خود به‌تنهایی یک برنامه توسعه‌ای به حساب می‌آمد یا نه؟ اشاره مشخص به سیاست‌های تعدیل ساختاری است.

در واقع بخشی از برنامه بود؛ برای نمونه به قیمت ارز اشاره می‌کنم. قرار نبود قیمت دلار در برنامه اول تثبیت شود. در برنامه توسعه‌ای ایران به‌ویژه برنامه دوم در نظر گرفته شده بود که نرخ ارز قیمت واقعی خودش را پیدا کند اما ناگهان با محدودیت منابع ارزی کشور قیمت ارز تا حدود ۷۰۰ تومان بالا رفت و مسائل خاصی هم به‌وجود آورد. آقای هاشمی اعتقاد داشت که ارز هم یک کالا است و عرضه و تقاضا باید نرخ ارز را تعیین تکلیف کند. براین اساس ما نباید زندگی خودمان را با نرخ دلار تطبیق دهیم. نرخ ارز باید هرچه هست، سر جای خودش باشد و ایران سیاست‌هایی را که در برنامه توسعه طراحی کرده، پیش ببرد. نرخ ارز یک روز ارزان است و روز دیگر گرانی

نگاه هاشمی به اقتصاد، توسعه‌گرایانه بود، معتقد بود کشور به‌حتم باید به سوی سیاست‌هایی برود که کشور را ثروتمندتر و توسعه‌یافته‌تر کند. اتفاقا آقای هاشمی دنبال ریشه‌کنی فقر سیاست‌هایی که به شکلی اجتناب‌ناپذیر در دوره جنگ تحمیلی برای اقتصاد اتخاذ شده بود، نمی‌توانست در دوره پس از جنگ ادامه پیدا کند

به‌درستی انجام می‌شد، به ثمر می‌رسید، ولی سازمان برنامه کوتاهی کرد.

۷ پس شما مشکل را از چشم سازمان برنامه می‌بینید؟ آنها قول‌هایی دادند که قرار بود هم‌زمان با برنامه رخ دهد که سازمان برنامه و بودجه وقت از آنها طفره رفت. زمانی که طفره رفتند، بین دیدگاه‌های آقای هاشمی و مقام معظم رهبری اختلاف‌نظر افتاد. بخشی از این موضوع به سازمان برنامه و بودجه وقت بازمی‌گشت که به تعهداتش درباره سیاست‌های یکسان‌سازی نرخ ارز وفا نکرد. احتمال می‌دهم آنها بخش بیشتری از منابع بودجه‌ها را صرف توسعه کشور کردند؛ درحالی‌که نسبت به مسائل اجتماعی کشور بی‌تفاوت بودند. آنجا نقطه ضعفی در برنامه دوم

توسعه دیده می‌شود که منجر به عقب‌نشینی دولت از مواضع خودش می‌شود.

۷ چه نقطه ضعفی؟

کار به جایی رسید که اختلاف مقام معظم رهبری و آقای هاشمی درباره نرخ ارز بالا گرفت؛ این هم به این دلیل بود که فشار اجتماعی بر مردم زیاد شد؛ قیمت کالاها افزایش چشمگیر داشت؛ نرخ تورم به بالای ۴۵ درصد رسید و... البته بعدتر با تغییراتی که در دولت اعمال شد، این وضع سامان گرفت.

۷ اما آقای کلانتری در مجموع روشن است که آن سیاست‌ها در عمل ناکام ماند و دولت ناگزیر عقب نشست...

سیاست‌ها، سیاست‌هایی بود که سازمان برنامه در اجرای آن کوتاهی کرد. در واقع من معتقدم سیاست‌ها مشکلی نداشت؛ بلکه مشکل در اجرای آن سیاست‌ها بود. برای اینکه بنا بود به موازات تعدیل نرخ ارز، بسته‌های حمایتی هم اجرایی شود که هرگز این اتفاق رخ نداد. برای نمونه کوبن مرغ حذف شد و قیمت آن به شدت بالا رفت. درحالی‌که قرار بود در موضوع گوشت و مرغ، اقشار نیازمند تحت فشار قرار نگیرند اما این اتفاق رخ نداد. آن مقطع سازمان برنامه حاضر نبود با سیاست‌های برنامه دوم توسعه همسو شود. در نتیجه دولت ناچار شد از سیاست‌های خودش عقب‌بازد. اینها در اجرا با مشکل مواجه شد.

۷ شما به تفاوت سیاست‌گذار و تفاوت در اجرا اشاره می‌کنید؛ پرسش من این است که آن زمان تا چه حد بین نگرش مردران اقتصادی کابینه همراستایی وجود داشت؟

ببینید زمانی که بین سازمان برنامه و دولت اختلاف نظر پیدا شد، یعنی نگرش همه یکسان نبود. بین سازمان برنامه و دولت و وزارت اقتصاد و بانک مرکزی اختلاف دیدگاه وجود داشت. بعدها اینها با حضور آقای محمدخان به عنوان وزیر اقتصاد و دارایی، بازگشت آقای نوربخش و انتصاب رئیس جدید سازمان برنامه اصلاح شد. ناهماهنگی‌هایی درون ستاد اقتصادی دولت وجود داشت که سال ۱۳۷۴ اصلاح شد.

۷ کمی از بحث دولت آقای هاشمی فاصله بگیریم؛ به نظر شما کدام دولت، پس از دولت سازندگی بیشترین تأثیر را از سیاست‌های آقای هاشمی گرفت؟

من فکر می‌کنم یکی از موفق‌ترین دولت‌ها در بخش اقتصادی، دولت آقای خاتمی بود. آنها تقریباً همین سیاست‌های دوره سازندگی را به درایت و انسجام بیشتری ادامه دادند. من دولت آقای خاتمی را موفق‌ترین دولت سال‌های پس از انقلاب می‌بینم.

۷ این موضوع با توجه به آمارها درست است اما پرسش دقیق من این است که کدام دولت بیشترین تأثیر را گرفت؟ از این منظر این پرسش را مطرح می‌کنم که بسیاری از کارشناسان معتقدند که دولت آقای احمدی‌نژاد بیشترین نزدیکی را به آقای هاشمی از منظر اقتصادی داشت.

به هیچ عنوان آقای احمدی‌نژاد هیچ قربانی با آقای هاشمی نداشت. دولت آقای خاتمی زمانی سر کار آمد که زیربناها ساخته شده بود. آقای هاشمی وارث ویرانه‌های جنگ بود و توسعه‌نیافتگی ایران، اثری‌های که در جنگ همه زیربناهایش را از دست داده بود. او توانست با وام‌های خارجی، درآمدهای نفتی و درایت این ویرانه‌ها را از نو بنا کند.

دولت آقای خاتمی مشکلات دولت آقای هاشمی را نداشت. در حقیقت میوه دولت سازندگی را چیدند و خوششان هم با درایت و عقلانیت دولت را اداره کردند. آقای احمدی‌نژاد اما اقتصاد کشور را به‌هم ریخت. او مثل فتحعلی‌شاه قاجار کشور را اداره می‌کرد. سازمان برنامه را منحل کرد، خزانه را مانند کیسه‌ای کرد که می‌تواند هرلحظه از آن برداشت کند؛ در نهایت معلوم نشد با آن همه درآمد نفتی چه کرد و... آقای احمدی‌نژاد اقتصاد کشور را به سوی ویرانی برد؛ اما آقای خاتمی در راستای سیاست‌های آقای هاشمی حرکت کرد؛ با این تفاوت که زیربناها ویرانه نبود. دولت اصلاحات استفاده درستی از منابع کشور کرد.

مردی که ردای کار پوشید



اکبر ترکان مشاور رئیس‌جمهور

● چه دشوار است باور و تحمل این خبر جانگذا... عروج ملکوتی بزرگمرد تاریخ ایران، بزرگمردی که عمر پربرتک خود را در راه افتاد و سربلندی کشورش سپری و تا آخرین لحظه حیات شجاعانه مبارزه کرد. مبارزات شجاعانه و دین‌محور حضرت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در دوران رژیم طاغوت و نقش برجسته ایشان در شکل‌گیری و استقرار جمهوری اسلامی و همراهی حضری خویش را از دوران پیش از انقلاب، ایشان را چهره شاخص و بی‌بدیل انقلاب اسلامی نمود. آیت‌الله پس از انقلاب نیز همواره پیش‌قدم در پذیرش مسئولیت‌های خطیر بودند و با تمام توان برای تثبیت و توسعه انقلاب تلاش کردند. در طول جنگ تحمیلی نیز به‌عنوان فرمانده جنگ، یک لحظه از مبارزه بازمانده و شجاعت، درایت و ذکاوت سیاسی خویش را در عرصه مقاومت و دفاع از اسلام عزیز و کشور به اثبات رساند. با پایان‌یافتن جنگ تحمیلی زره از تن کند و ردای کار پوشید و برای بازسازی و آبادانی کشورش قدم در مسیر سازندگی نهاد و شد سردار سازندگی... بی‌تردید ایران اسلامی نام پرآوازه فرمانده دوران دفاع مقدس و سردار بزرگ سازندگی را با افتخار بر تارک جبین خود به همراه خواهد داشت. مظلومیت «امیرکبیر زمان» در دوره مهجوریت و تلاش برای حفظ خط اعتدال و مراרת‌هایی که در راستای تحقق این تفکر متحمل شد، فصل زرینی را در تاریخ زندگی ایشان ثبت کرده است. احیای تدبیر در دولت و مدیریت همواره با عقلانیت در حوزه اجرایی از شاخصه‌های بارز آیت‌الله در عرصه سیاست و احیای امید و دین‌داری، استواری در اسلام ناب محمدی، مداومت در دین‌مداری، تلاش در تدوین تفسیر قرآن و نگارش تاریخ دقیق و تأکید بر اصول اصلی انقلاب اسلامی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، باور صادق ایشان بود. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در زمان‌های حساس به تناسب و ضرورت دین خود را به اسلام و انقلاب با تحمل هزینه‌های گراف آن ادا کردند. باری... بسیار تلخ و دشوار است باور و تحمل رحلت این مجاهد نستوه... در نهایت تأسف این ضایعه بزرگ را به محضر مقام معظم رهبری، ریاست محترم جمهوری، ملت شریف ایران، جامعه روحانیت و به‌ویژه بیت مددگار هاشمی‌رفسنجانی تسلیت عرض نموده و از درگاه حضرت احدیت برای آن عالم ربانی علو درجات خواستارم.

سامانه جامع تجارت راه‌اندازی شد

● مهر: تجار و بازرگانان با بهره‌برداری از سامانه جامع تجارت می‌توانند ثبت اطلاعات ثبت سفارش خود را مدنظر قرار دهند. سامانه جامع تجارت براساس بند الف ماده شش قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲، به‌عنوان درگاه یکپارچه به عملیات کارشناسی مورد نیاز براساس روال سابق کشور به صورت رسمی مورد بهره‌برداری قرار گرفته تا از این پس مورد استفاده قرار گیرد. با راه‌اندازی این سامانه ثبت اطلاعات ثبت سفارش از سوی بازرگانان در سامانه جامع تجارت صورت گرفته و پس از ارسال به سامانه ثبت تارش در صورت نیاز به عملیات کارشناسی مورد نیاز براساس روال سابق در اختیار کارشناسان ذی‌ربط قرار می‌گیرد. سازمان توسعه تجارت اعلام کرده با راه‌اندازی این سامانه تغییری در فرایند کارشناسی ثبت سفارش ایجاد نخواهد شد.

تازه‌ترین اظهارنظر درباره قاچاق خاک

● باشگاه خبرنگاران: ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز هرگونه خروج غیرقانونی خاک از کشور را تکذیب کرد. قاسم خورشیدی سخنگوی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز گفت: در پی داغ‌شدن بحث قاچاق خاک در سطح کشور به بررسی تمام استان‌ها به‌ویژه استان‌های مرزی کشور پرداختیم اما با هیچ‌گونه گزارش‌ی در دو سال گذشته مبنی بر خروج غیرقانونی خاک از کشور برخورد نکردیم. سخنگوی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اشاره به بی‌اساس‌بودن صحبت‌های رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست مبنی بر هشدار درباره قاچاق خاک، تأکید کرد: تمام اختیارات کشور برای پایش مرزها و سواحل در اختیار ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز است و هیچ نهاد دیگری نمی‌تواند درباره قاچاق، آمار و ارقام آن و کیفیت انجمن خروشی از کشور اظهارنظر کند. وی همچنین در پایان اظهار کرد: از سازمان محیط زیست درخواست شد، درصورتی‌که اطلاعاتی درباره خروج غیرقانونی خاک از کشور دارند، در اختیار ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا قرار دهند اما بعد از گذشت چند هفته از این اعلام هیچ‌گونه اطلاعاتی از سازمان مذکور به دست ما نرسیده است.